



بررسی انتقادی دیدگاه اهل سنت پیرامون مستندات روایی
شمول آیه تطهیر بر همسران پیامبر اسلام ﷺ

عباس بخشنده بالی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۸/۲۳

چکیده

بخشی از آیات نورانی قرآن کریم، بیانگر فضایل افراد خاصی است که کشف مصادیق آن آیات، نقش بسزایی در یافتن الگوهای زندگی و پیمودن راه سعادت دارد. «آیه تطهیر» از آن جمله است که پیامبر خدا ﷺ و اصحاب، به خصوص همسران آن حضرت، تلاش وافر در بیان مصادیق و اثبات انحصار آن در «اصحاب کساء» داشتند تا از هر گونه ابهام جلوگیری کنند. با این حال، اهداف گوناگون، زمینه ایجاد شبهه در مصادیق آیه را فراهم کرد، تا جایی که هر فرقه و مذهبی کوشید تا جمعی را بر مصادیق آن بیفزاید. از آن جمله، تلاش گسترده غالب اهل سنت بر وارد کردن همسران پیامبر ﷺ در مصادیق و شمول عنوان «اهل البیت» بر آنان است. آنان جهت به کرسی نشان دادن ایده مزبور، روایاتی را دست‌آویز خود قرار دادند. سؤال مهم این است که آیا روایات مورد ادعا برای اثبات مدعیان وافی است؟ این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موشکافانه مستندات روایی مزبور از زاویه منابع معتبر حدیثی و رجالی اهل سنت می‌پردازد. مهم‌ترین دست‌آورد نوشتار حاضر این است که دیدگاه برخی اهل سنت درباره شمول آیه تطهیر بر همسران پیامبر ﷺ نادرست است، زیرا روایات متعددی از فریقین مبنی بر منحصر بودن آیه مورد نظر بر اهل بیت عصمت و طهارت وجود دارد. از سویی دیگر، سند برخی روایت‌هایی که ادعا می‌کنند، به شدت مخدوش بوده و نیز برخی تعمیم‌ها درباره همسرانی مانند «ام سلمه» بعد از نزول آیه مورد نظر است. بنابراین، نمی‌توان ادعاهای اهل سنت در این مسئله را پذیرفت.

واژگان کلیدی

آیه تطهیر، همسران پیامبر ﷺ، اصحاب کساء، اهل البیت، روایات نبوی.

بیان مسئله

آیه تطهیر ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ احزاب: ۳۳ از جمله آیات مهم در منزلت اهل بیت پیامبر ﷺ و اثبات حقانیت مکتب شیعه است که از ابعاد گوناگون مورد بحث واقع شده است. عموم شیعیان، مصادیق آیه را منحصر در «اصحاب کساء» دانسته و با استناد به محتوای آیه و تجزیه و تحلیل اجزای آن چون اراده تکوینی الهی، اذهاب مطلق رجس، تطهیر مطلق و استفاده از دهها روایت معتبر بین فریقین در شأن نزول، آیه را دلیلی مستحکم بر عصمت آنان می‌دانند. بسیاری از دانشمندان اهل سنت مانند طحاوی، حاکم نیشابوری، آجری بغدادی، رفاعی، حافظ گنجی، مناوی، عباس محمود عقاد و توفیق ابوعلم نیز انحصار مزبور در شأن نزول را با صراحت یا اشاره پذیرفتند (باقرزاده، ۱۳۹۱: ۴۲۱).

از سویی دیگر، بخش عمده‌ای از اهل سنت معتقدند که همسران پیامبر ﷺ مشمول آیه شریفه‌اند. البته گروه اندکی، شأن نزول آیه را مخصوص همسران دانسته، ولی غالب آنان، همسران و اصحاب کساء را مشترکاً از مصادیق آیه شریفه برشمرده‌اند. اینان برای اثبات مدعای خویش، یعنی شمول آیه تطهیر بر همسران، به دلایلی مانند «سیاق آیه» تمسک جستند که در کتب مفصل پاسخ آن‌ها داده شده است (باقرزاده، ۱۳۹۱: ۱۷۹)؛ در حالی که هیچ‌یک از همسران پیامبر ﷺ هرگز چنین ادعایی را در طول حیات مطرح نکرده و بر اساس دهها روایت، که مخصوصاً در منابع اهل سنت وارد شده، پیامبر خدا ﷺ در داستان اجتماع اصحاب کساء و نزول آیه تطهیر، به درخواست ورود همسران پاسخ منفی داده و از حضورشان در آن جمع و تحت کساء ممانعت فرمودند (نک: ابن حنبل، ۱۴۱۹ق، ۶: ۳۲۳؛ طبرانی، ۱۴۰۴ق، ۳: ۵۳؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ۳: ۴۹۳؛ ۶: ۳۶۸).

شواهد حاکی است که پیامبر اکرم ﷺ بر تفکیک بین دو اصطلاح «ازواج» و «اهل بیت» اصرار داشتند؛ مثلاً وقتی ام سلمه عرضه داشت: «أَلَسْتُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ؟» آن حضرت ضمن ممانعت از ورودش به زیر کساء، فرمود: «أَنْتِ مِنْ أَزْوَاجِ رَسُولِ اللَّهِ» (طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۲: ۷) و یا فرمود: «أَنْتِ مِنْ أَهْلِي» (طحاوی، ۱۴۰۸ق، ۲: ۲۴۵).

تعبیر ام سلمه در برخی روایات، حاکی است وی نیز همین تفاوت را از سخنان پیامبر ﷺ فهمیده بود؛ آن‌جا که می‌گوید: «آیه ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...﴾ در خانه من و در حالی که جبرئیل، میکائیل، رسول الله ﷺ، علی، فاطمه و حسنین علیهم السلام حاضر بوده و من بر درگاه ایستاده بودم، نازل

شد. عرض کردم: یا رسول الله! آیا من از اهل البیت نیستم؟ فرمود: "إنك إلى خير إنك من أزواج النبی و ما قال إنك من أهل البیت"؛ تو بر خیر و از همسران پیامبر ﷺ هستی. و فرمود: تو از اهل البیت هستی» (طحاوی، ۱۴۰۸ق، ۲: ۲۳۹).

آلوسی نیز اعتراف می‌کند روایات وارد کردن خمس طیبه زیر عبا و گفتن «اللهم هؤلاء أهل بیتی» و دعا برای آنان و وارد نساختن ام‌سلمه بیش از آن است که به شماره آید؛ چنانچه همین روایات، عامل تخصیص عمومات اهل بیت است، به هر معنایی که باشد. پس مراد از «اهل بیت» کسانی هستند که داخل عبا شدند و همسران در این عنوان داخل نیستند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۱: ۱۹۵).

در همین راستا، برخی از دانشمندان اهل سنت، به شماری از روایات نیز استدلال کرده و در تلاشند تا به هر صورت ممکن، همسران را در این فضیلت بی نظیر، مشارکت دهند.

پیشینه تحقیق

در طول دهه‌های متمادی، آثار متعددی اعم از مستقل و غیرمستقل، در قالب مقاله و کتاب درباره ابعاد مختلف آیه تطهیر، از جمله مصادیق آن به رشته تحریر درآمده است که تعدادی از آنها عبارتند از: آیه التطهیر رؤیة مبتكرة، نوشته آیت الله محمد فاضل لنکرانی رحمته الله علیه و شهاب‌الدین اشراقی رحمته الله علیه (مرکز فقهی ائمه اطهار رحمته الله علیه در سال ۱۴۲۴ق)؛ پژوهشی جدید درباره آیه تطهیر، نوشته عبدالرحمان باقرزاده (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در سال ۱۳۹۱)، که ظاهراً مفصل‌ترین کتاب در بررسی آیه تطهیر با بیش از هشتصد صفحه است؛ مع الدكتور السالوس فی آیه التطهیر، نوشته آیت الله سید علی میلانی؛ آیه التطهیر (شبهات و ردود) رد بر شیخ عثمان الخمیس کویتی از حسن عبدالله؛ «آیه تطهیر و دیدگاه سلفیه» (سراج منیر، شماره ۲، ۱۳۹۰)؛ «مصدق اهل بیت در آیه تطهیر با رویکرد به منابع اهل سنت» (پژوهش‌های اعتقادی کلامی، شماره ۷، ۱۳۹۱)؛ «تحلیل مستندات اختصاص واژه اهل البیت به خمس طیبه در آیه تطهیر» (مطالعات تفسیری، شماره ۲۳، ۱۳۹۴). متأسفانه هیچ‌کدام از مقالات مزبور و سایر مقالات، مستندات روایی اهل سنت را به صورت مستقل بررسی نکردند؛ لذا تحقیق حاضر به بررسی عمده‌ترین مستندات روایی آنان پرداخته و به صورت مستدل، بدان‌ها پاسخ گفته است.

مستندات ادعایی اهل سنت

در این قسمت، روایاتی که برخی اهل سنت پیرامون شمول همسران پیامبر گرامی اسلام ﷺ در آیه تطهیر ارائه می‌کنند، مورد بررسی انتقادی قرار می‌گیرد.

۱. تو هم هستی

در روایتی که احمد بن حنبل از ام سلمه نقل کرده، آمده است: «رسول خدا ﷺ در خانه من بود. خادم آمد و گفت: علی و فاطمه در آستانه در هستند. حضرت فرمود: "برای اهل بیت من از جای خود برخیز." من ایستادم و جای خود را ترک کرده، به گوشه‌ای نزدیک آن‌ها رفتم. سپس علی و فاطمه در حالی که با آن‌ها حسن و حسین که هر دو کودک بودند، داخل شدند. پیامبر آن دو کودک را بوسید و در دامان خود نشانید. علی و فاطمه را هم به آغوش کشاند. سپس پتویی را بر آن‌ها افکند و فرمود: "خدایا! من و اهل بیتم به سوی تو باشیم نه به سوی آتش." ام سلمه گوید: گفتم: یا رسول‌الله و أنا؟ فقال: و أنت؛ ای رسول خدا! و من؟ پیامبر اکرم فرمود: و تو» (ابن حنبل، ۱۴۱۹ق، ۶: ۲۹۶).

ارزیابی:

برخی از اهل سنت با استناد به قسمت پایانی روایت، برای صدق عنوان «اهل بیت» بر همسران نبی استناد می‌کنند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ۶: ۳۶۷)؛ ولی این استدلال، ناتمام است، زیرا:

اولاً: در سند این روایت «أبوالمعدل عطیه طفاوی» است که مورد جرح برخی از علمای رجال قرار گرفته است. ازدی او را ضعیف دانسته است (ذهبی شافعی، ۱۹۹۵، ۳: ۸۰). به روایت ابن حجر، ساجی هم او را به طور حتم، ضعیف شمرده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶ق، ۴: ۱۷۶، ش ۴۴۴).

ثانیاً: روشن است که وقتی پیامبر اکرم ﷺ درباره خود و اهل بیتش دعا کرده و عبارت «أنا و اهل بیتی» را به کار می‌برد، ام سلمه خود را مشمول این دعا نمی‌بیند؛ به همین دلیل، از حضرتش می‌خواهد که دعایش را شامل حال او نیز بکند. این امر نشان می‌دهد که تلقی خود ام سلمه این نبوده که زن‌های پیامبر اکرم ﷺ جزء اهل بیتند، چون اگر تحت عنوان مزبور می‌بودند، در این صورت، عبارت «و اهل بیتی» خود به خود شامل ام سلمه و سایر زن‌ها گشته

و دیگر لازم نبود که ام سلمه درخواست شمول کند.

ثالثاً: پیامبر ﷺ بعد از درخواست ام سلمه فرمود: «و تو»؛ یعنی با آوردن واو عطف، وی را مشمول دعای خود کرد. می‌دانیم که واو عطف بر مغایرت معطوف و معطوف علیه دلالت دارد؛ مثلاً اگر کسی بگوید: «من فرزندان خود و زید را به مسجد بردم»، عطف زید بر فرزندان نشان می‌دهد که زید جزء فرزندان نبوده، وگرنه نیاز به عطف نبود. پس، همین که در این جا پیامبر او را با حرف «واو» به اهل بیت عطف کرده، نشان می‌دهد که او داخل عنوان «اهل بیت» نبوده، بلکه صرفاً مشمول دعای «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا النَّار» است، چراکه وی از زنان صالحه و برجسته آن حضرت بوده است. نشانه روشن این ادعا هم این است که پیامبر ﷺ ابتدا به او فرموده بود: «قَوْمِي فَتَنَحِّيْ عَنْ أَهْلِ بَيْتِي» و او هم به گفته خودش، به کناری رفته و از اهل بیت جدا شد.

رابعاً: در حدیث مورد ادعا، هیچ سخنی از نزول آیه تطهیر مطرح نشده و ارتباطی با آن ندارد؛ نیز در پاسخ می‌افزاییم: حاکم نیشابوری در دو مورد، روایت واثله را نقل کرده است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۲: ۴۱۶؛ ۳: ۱۴۷). در هیچ یک از این دو مورد، قسمت اخیر روایت، یعنی پاسخ مثبت به واثله، وجود ندارد؛ بنابراین، احتمال تحریف در روایت واثله وجود دارد. علاوه بر این، با فرض صحت حدیث، سؤال واثله از این بود که آیا من هم مشمول دعای شما هستم؟ و از آن حضرت پاسخ مثبت شنید (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ۱۳: ۶۰۳، ح ۳۷۵۴۴).

بدیهی است که دعا و درود پیامبر ﷺ هیچ ارتباطی با شمول آیه شریفه بر واثله ندارد؛ لذا کسی، حتی خود واثله، ادعا نکرد که از اهل بیت پیامبر ﷺ است. از این رو، ابن حجر مکی ضمن اشاره به هر دو روایت مزبور، واژه «اهل» را در آن‌ها به معنای عام کلمه دانسته و بدین وسیله، شمول عنوان ویژه «اهل بیت» بر آنان را نمی‌پذیرد (ابن حجر هیثمی، ۱۹۹۷، ۲: ۶۵۴).

۲. ورود تحت کساء

روایت مورد ادعای دیگر نیز در مسند احمد بن حنبل آمده است که بر اساس آن، ام سلمه می‌گوید: «بعد از اجتماع اصحاب کساء و دعای پیامبر ﷺ، عرض کردم: آیا از اهل شما نیستیم؟ ایشان جواب مثبت داده، اجازه ورود دادند. فَدَخَلْتُ فِي الْكِسَاءِ بَعْدَ مَا قَضَى دُعَاةَ لِابْنِ عَمَّةٍ؛ و من هم پس از دعای پیامبر ﷺ وارد کساء شدم» (ابن حنبل، ۱۴۱۹ق، ۶: ۲۹۸).

ارزیابی:

در جواب می‌گوییم:

اولاً: در سند روایت مزبور «عبدالحمید بن بهرام» وجود دارد که با وجود توثیق وی از طرف برخی دانشمندان رجال، بعضی دیگر او را مورد اعتماد ندانسته‌اند. ابن جوزی و ذهبی می‌گویند: «ابوحاتم گفت که به احادیش استناد نمی‌شود» (ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۲: ۸۴؛ ذهبی شافعی، بی تا، ۱: ۳۶۸). ذهبی در جایی از «محمد بن مثنی» نقل کرده است که گفت: «از یحیی بن معین و عبدالرحمن هرگز نشنیدم که از وی حدیثی نقل کنند» (ذهبی شافعی، ۱۹۹۵، ۴: ۲۴۷).

ثانیاً: علاوه بر تعارض روایت با ده‌ها روایت معتبر مبنی بر ممانعت از ورود همسران تحت کساء و با فرض صحت آن، باید توجه داشت که ورود ام‌سلمه به جمع اهل بیت، بعد از اجتماع و پیچاندن آن‌ها تحت کساء خیبری و دعای پیامبر ﷺ برای آنان رخ داد و این خود دلالت بر این دارد که ام‌سلمه جزء اهل بیتی که مخاطب آیه تطهیر است، نبوده؛ وگرنه پیامبر اکرم ﷺ از ابتدا وی را داخل کساء خیبری کرده و دعای برآمده از آیه تطهیر را شامل حال او می‌کرد، اما چنین نکرد. پس ام‌سلمه جزء اهل بیتی که مخاطب آیه تطهیر است، نخواهد بود.

ثالثاً: در این روایت، به نزول آیه تطهیر اشاره‌ای نشده است، بلکه مربوط به روزهای دیگری است که ظاهراً حضرت برای ابراز محبت به اهل بیت ﷺ و تأکید بر جایگاه آنان، چنین کاری را انجام می‌دادند. پس روایت، به شمول آیه تطهیر برای همسران نبی ﷺ اشاره‌ای ندارد.

۳. ان شاء الله تو هم هستی!

برخی نیز برای شمول آیه بر همسران پیامبر ﷺ به حدیث دیگری از ام‌سلمه تمسک کرده‌اند که گوید: «آیه تطهیر در خانه من نازل شد؛ آن‌گاه که رسول خدا ﷺ به دنبال فاطمه، علی، حسن و حسین فرستاد و فرمود: اینان اهل بیت من هستند.» ام‌سلمه می‌گوید: «عرض کردم: ای رسول خدا! آیا من نیز از اهل بیتم؟ فرمود: "قال بلی، إن شاء الله تعالی"؛ آری، ان شاء الله» (بیهقی، ۱۴۱۴ق، ۲: ۱۵۰).

ارزیابی:

در پاسخ به این ادعا نیز می‌گوییم:

اولاً: روایت از حیث سند ضعیف است، زیرا این مضمون از ام‌سلمه در دو سند وارد شده است؛

در طریق نخست که «طریق بیهقی» است، «عبدالرحمن بن عبدالله» وجود دارد که عده‌ای او را تضعیف کرده و مورد طعن قرار داده‌اند. یحیی بن معین درباره او و پدرش گفته است: «عبدالله بن دینار، موثق، ولی فرزندش عبدالرحمن بن عبدالله بن دینار، قوی نیست» (ابن معین، ۱۴۰۰ق، ۱: ۱۰۷). هم‌چنین، در سندش «شریک بن عبدالله بن ابی‌نمر» (م. حدود ۱۴۰ق) وجود دارد که در حق او جرح و تعدیل رسیده است (ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۲: ۱۴۰، ش ۱۶۲۴؛ ذهبی شافعی، ۱۹۹۵، ۳: ۳۷۲).

طریق دوم روایت، معروف به «طریق ابن مغازلی» است (ابن مغازلی، ۱۴۲۴ق، ۱: ۳۷۰، ح ۳۵۱). در این طریق غیر از شریک بن عبدالله، ابوضمره مدنی معروف به «أنس بن عیاض لیثی» (م. ۲۰۰ق) (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ۱۲: ۱۵۱) نیز قرار گرفته که او نیز از جرح علمای رجال سالم نمانده است. در همین طریق، نام «یعقوب بن حمید» (م. ۲۴۰ یا ۲۴۱ق) ساکن مکه نیز به چشم می‌خورد. به گفته ذهبی، ابوحاتم او را ضعیف شمرده و دیگران هم گفتند که وی صاحب روایات منکر و غیر قابل قبول است (ذهبی شافعی، ۱۴۱۳ق، ۲: ۳۹۳). نسائی هم او را بی‌ارزش دانست (نسائی، ۱۳۹۶ق، ۱: ۱۰۶).

ثانیاً: با فرض صحت، این روایت با ده‌ها روایت متواتری که گویای تفهیم عملی عدم شمول آیه بر همسران از سوی پیامبر خداست، تعارض داشته و به دلیل عدم توانایی در برابر آن‌ها، مردود خواهد بود؛ هرچند فخر رازی چشم بر واقعیت بسته و در اظهار نظری عجیب، روایات کساء را به دلیل تعارض با همین روایت، نادرست خوانده است (رازی، ۱۴۰۰ق، ۴: ۲۴۵). ولی کاملاً بدیهی است که در مقام تعارض، روایات صحیح و متواتر، بر این خبر واحد ترجیح خواهند داشت.

ثالثاً: نکته قابل توجه دیگری که در این جا وجود دارد، احتمال جعل و تحریف در روایت است. بیهقی (م. ۴۵۸ق) روایت را به دو طریق نقل می‌کند: ۱. طریق ابوعبدالله حافظ که همان حاکم نیشابوری (م. ۴۰۵ق) است؛ ۲. طریق مشترک دو تن به نام‌های محمد بن حسین سلمی و احمد بن حسن قاضی. در طریق نخست، چنین پاسخی از پیامبر ﷺ وجود ندارد؛ چنان‌که در مستدرک حاکم نیز همین روایت، عیناً با همان سند (از عثمان بن عمر بن فارس تا ام‌سلمه)، بدون جمله مزبور آمده است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۲: ۴۱۶).

هرچند احمد بن حسن، قاضی ابوبکر حرشی نیشابوری (م. ۴۲۱ق) در طبقات فقهای شافعیه توثیق شده (ابن‌صلاح، ۱۹۹۲، ۱: ۳۲۹)، ولی محمد بن حسین نیشابوری سلمی

(م. ۴۱۲ق) از بزرگان صوفیه و متهم به جعل حدیث است. ذهبی به واسطه دارقطنی و خطیب از محمد بن یوسف القطان نقل کرده که درباره وی گفته است: «كَانَ يَصْنَعُ الْأَحَادِيثَ لِلصَّوْفِيَّةِ»؛ برای صوفیه، جعل حدیث می‌کرد (ذهبی شافعی، ۱۹۹۵، ۳: ۵۲۳، ش ۷۴۱۹).
با توجه به این که سند هر دو طریق، مشترک است و از طرف دیگر، در طریق حاکم، جمله مزبور نیست، لذا احتمال تحریف روایت و افزوده شدن جمله بر روایت قوت می‌گیرد؛ خصوصاً آن که آنان بر داخل کردن همسران در مصادیق آیه اصرار دارند. بیهقی نیز هرچند به طریق دوم هم اشاره کرده، ولی در نهایت، سند روایت را از زبان حاکم صحیح دانسته و روایانش را توثیق کرده است. طبیعی است که این تصحیح، صرفاً متعلق به همان طریق حاکم خواهد بود که فاقد جمله مزبور است.

۴. صلوات ابراهیمی و همسران

برخی از دانشمندان عامه برای شمول همسران در آیه شریفه و معنای اهل بیت، به اذکار صلوات استناد می‌کنند که در برخی صیغه‌های آن، ازواج پیامبر ﷺ نیز قید شده است (نک: ابن حنبل، ۱۴۱۹ق، ۵: ۳۷۴)؛ چنان که ابن تیمیه می‌گوید: «از احمد بن حنبل در این که همسران از اهل بیت باشند، دو نظریه روایت شده است: یک روایت نفی شمول به استناد حدیث زید بن أرقم، و روایت دیگر این که آنان به دلیل روایت صلوات ابراهیمی^۱ از اهل بیت هستند» (ابن تیمیه، ۱۴۲۶ق، ۵: ۲۰۹).

ارزیابی:

در پاسخ باید گفت:

اولاً: در بسیاری از روایات، صلوات ابراهیمی صرفاً بر اهل بیت ﷺ و بدون بردن نامی از همسران وارد شده است (نک: بخاری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۱۲۳۳، ح ۳۱۹۰)؛ مخصوصاً در برخی از روایات و اذکار صلوات ابراهیمی، که در داستان اصحاب کساء و ظاهراً به دنبال نزول آیه تطهیر بر زبان پیامبر ﷺ جاری شده است، هیچ نامی از همسران نیست (سیوطی، ۱۴۰۴ق،

۱. منظور از آن، روایاتی است که به صلوات به صورت «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ بَارِكْ - وَفِي لَفْظٍ - وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» توصیه کردند (نیشابوری، بی تا، ۲: ۳۷۴).

ثانیاً: بر فرض قبول صحت این دسته از روایات، نفس صلوات، دلیل شمول آیه تطهیر و عنوان «اهل البیت» بر آنان نیست، چراکه پیامبر ﷺ شخصاً بر افرادی هم که قطعاً از اهل البیت نبودند، صلوات و درود داشتند. مگر نه این است که پیامبر خدا ﷺ طبق آیه شریفه: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ﴾ (توبه: ۱۰۳)، مأمور شدند تا بر زکات دهندگان و صدقه دهندگان درود و صلوات بفرستند؟! آیا همه زکات دهندگان، که مشمول صلوات و درود آن حضرت شدند، از اهل بیت عصمت و طهارتند؟! چنان که آن حضرت بر «آل ابی اوفی» بعد از ادای زکات، درود فرستاده و فرمود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ آلِ أَبِي أَوْفَى» (بخاری، ۱۴۰۷ق، ۲: ۵۴۴، ح ۱۴۲۶)؛ همان طور که بر خاندان «سعد بن عباد» صلوات فرستادند (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ۹: ۱۲۱، ح ۲۵۹۸۷).

ثالثاً: با فرض صحت روایات، ازواج در آنها، عطف بر واژه «اهل بیت» گشته که می تواند نشان از دوگانگی و اختلاف معنایی بین این دو واژه باشد، چراکه اگر واژه «اهل البیت» شامل ازواج بود، نیازی به عطف بر آن نبود؛ چنان که هیشمی مانند جمعی دیگر از علمای عامه، به این نکته توجه کرده و بعد از نقل روایت، در اظهار نظری صریح می گوید: «ثم عطف الأزواج و الذرية على الآل في كثير من الروايات يقتضى أنهما ليست من الآل و هو واضح في الأزواج»؛ عطف ازواج و ذریه بر آل در بسیاری از روایات، اقتضا دارد که این دو از مصادیق آل نباشند؛ به خصوص ازواج که وضوح بیشتری دارد (ابن حجر هیشمی، ۱۹۹۷، ۲: ۴۳۰). مجدالدین فیروزآبادی (م. ۸۱۷ق) نیز داخل نبودن همسران در صلوات را به جمهور اصولیون و شافعی نسبت داده است (مقریزی، بی تا: ۴۱).

۵. اجتهاد در مقابل نص

جمعی از دانشمندان عامه به روایتی معروف از زید بن أرقم (م. ۶۶ یا ۶۸ق) استناد می کنند تا بدین وسیله، شمول آیه شریفه بر همسران را اثبات کنند (نک: خمیس، ۱۴۲۷ق: ۲۲۰). بر اساس این روایت، زید بعد از بیان حدیث ثقلین و سؤال راوی که پرسید: «اهل بیت او کیستند؟ آیا همسران از اهل بیتش نیستند؟» گفت: «نِسَاؤُهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَلَكِنْ أَهْلُ بَيْتِهِ مَنْ حُرِّمَ الصَّدَقَةَ بَعْدَهُ» (نیشابوری، بی تا، ۴: ۱۸۷۳، ح ۲۴۰۸)؛ و بدین وسیله همسران را از اهل بیت ﷺ دانست.

ارزیابی:

در جواب باید گفت: استدلال به این روایت، نادرست است، چراکه در روایتی که مسلم با چند سطر فاصله و در همان صفحه نقل می‌کند، زید در همان محفل و در جواب سائل که پرسید: «اهل بیتش کیستند؟ همسرانش؟» با قاطعیت پاسخ داد: «وَأَيْمُ اللَّهِ إِنَّ الْمَرْأَةَ تَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ الْعَصْرَ مِنَ الدَّهْرِ، ثُمَّ يُطَلِّقُهَا فَتَرْجِعُ إِلَى أَبِيهَا وَقَوْمِهَا»؛ به خدا سوگند خیر! زیرا زن مدتی با مرد زندگی می‌کند، سپس مرد او را طلاق داده و زن به پدر و خانواده‌اش برمی‌گردد (نیشابوری، بی تا، ۴: ۱۸۷۳، ح ۲۴۰۸)، و با این پاسخ که همراه با قسم مؤکد صورت گرفته، همسران را از عنوان «اهل بیت» خارج می‌سازد. لذا بزرگانی مانند احمد بن حنبل به استناد همین روایت ابن ارقم، در یکی از نظریات، تصریح کردند که همسران از اهل بیت نیستند (نک: ابن تیمیه، ۱۴۲۶ق، ۵: ۲۰۹).

البته بدیهی است که دو روایت، متفاوتند. ظاهراً روایت نخست، شمول عنوان «اهل بیت» بر همسران را اثبات و دومی نفی می‌کند؛ چنان‌که برخی از عامه بدان اعتراف کرده و احتمال تحریف در متن صحیح مسلم را به صورت غیرمستقیم مطرح کرده‌اند (نوی دمشقی، ۱۳۹۲ق، ۱۵: ۱۸۰). البته احتمال تحریف، یکی از راه‌های حل تعارض بین دو روایت مسلم است. دو احتمال دیگر هم مطرح است:

الف. منظور از روایت نخست، اثبات معنای عام اهل بیت بر همسران باشد، چراکه واژه «اهل» بر همسران نیز اطلاق می‌گردد؛ چنان‌که ابن حجر هیثمی با اشاره به دو روایت زید بن ارقم می‌گوید: «... وَ يُؤْخَذُ مِنْهُ أَنَّهُمْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ بِالْمَعْنَى الْأَعْمَى دُونَ الْأَخْصَى»؛ از نفی شمول در روایت نخست و اثبات آن در روایت دوم فهمیده می‌شود که همسران از اهل بیت به معنای اعم هستند (ابن حجر هیثمی، ۱۹۹۷، ۲: ۶۵۴).

ب. این که «نساءه من اهل بینه...» در روایت نخست را از باب استفهام انکاری بدانیم که ادامه روایت، قرینه‌ای روشن بر این استفهام باشد، چراکه زید کلامش را با لفظ «لکن» ادامه داد که دلالت دارد مطلب بعد از آن صحیح است. در نتیجه، تقدیر جمله این می‌شود: «نساءه من اهل بینه؟» آلوسی این احتمال را نیز مطرح کرده، می‌گوید: «در خبر سابق که گفت: "نساءه من اهل بینه"، گویا منظورشان "نساءه من اهل بینه؟"، یعنی نساء به همراه همزه استفهام انکاری بوده (بدین صورت: آیا همسران از اهل بیت هستند؟!); یعنی در حقیقت خواست بگوید

همسران از اهل بیت نیستند. همان طور که در اغلب روایات غیر از صحیح مسلم به همین صورت (یعنی نفی شمول همسران) آمده است. پس زید بن ارقم از کسانی خواهد بود که اصلاً همسران را از اهل بیت نمی دانند» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۱: ۱۹۷).

۶. تحریف آشکار

مستند دیگر، روایتی است که ابن اعرابی در معجم خود آورده که بر اساس آن، پیامبر ﷺ در داستان نزول آیه تطهیر و در پاسخ به سؤال ام سلمه که: «آیا من از اهل بیتم؟» فرمودند: «إِنَّكَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ» (ابن اعرابی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۷۴۲، ح ۱۴۶۲).

ارزیابی:

در پاسخ می گوئیم:

اولاً: مضمون این روایت با کیفیت مزبور، ضعیف بوده و با دهها روایت ام سلمه در شأن نزول آیه شریفه مبنی بر عدم اجازه به همسران جهت ورود تحت کساء و خارج بودن آنان از عنوان «اهل بیت» معارض بوده و توان مقابله ندارد.

ثانیاً: روایت مزبور، تحریف شده روایتی دیگر است که بر نظریه شیعی دلالت روشن دارد و بدون هر گونه تردید، در کتاب مزبور، پاسخ پیامبر ﷺ از متن اصلی حذف شده و جمله پایانی ام سلمه را با حذف کلمه «ما» نافیه، به جای پاسخ رسول اکرم ﷺ نشانده است تا معنا دگرگون شود.

ثالثاً: در همان کتاب ابن اعرابی، حدیث ممانعت پیامبر ﷺ از ورود ام سلمه تحت کساء وجود دارد که قهراً بر شامل نبودن عنوان «اهل البیت» بر ایشان دلالت خواهد داشت (ابن اعرابی، ۱۴۱۸ق، ۵: ۲).

۷. روایات یاران

از جمله مستندات دیدگاه مزبور، روایاتی است که از عکرمه، ابن عباس و عروة بن زبیر نقل شده است. در تاریخ معروف است که عکرمه بربری جهت تقویت این دیدگاه، در بازار مخالفان را به مباحله دعوت کرده، فریاد می زد: «مَنْ شَاءَ بَاهَلْتُهُ أَتَهَا نَزَلَتْ فِي نِسَاءِ النَّبِيِّ»؛ هر که خواست با او مباحله می کنم که آیه تطهیر در شأن همسران پیامبر نازل شد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ۶: ۳۶۵). وی هم چنین از ابن عباس نقل کرده که آیه تطهیر درباره همسران نازل گشته

است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ۶: ۳۶۵).

ارزیابی:

اولاً: عکرمه که چنین ادعایی را مطرح ساخت، غلام ابن عباس و از سرکردگان خوارج و شخصی مردود، دروغ گو و کذاب بوده که بسیاری از اهل سنت، عدم وثاقت و دروغ گویی اش را تأیید کرده و او را غیر قابل اعتماد دانسته اند و همین کافی است که نظریه او را مردود شماریم. برای آشنایی با شخصیت وی کافی است به *میزان الاعتدال* (ذهبی شافعی، ۱۹۹۵، ۳: ۹۳)، *الضعفاء الکبیر* (عقیلی، ۱۴۰۴ق، ۳: ۳۷۴، ش ۱۴۱۳)، مقدمه *فتح الباری* (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق: ۳۹۹) و *تذکره الحفاظ* (ذهبی شافعی، بی تا، ۱: ۹۶) مراجعه شود.

ثانیاً: نفس اصرار عکرمه بر مباحله، نشان دهنده مخالفت جمعی صحابه و تابعین با دیدگاه او بوده و وی که دیدگاه خود را در انزوا می دید، چاره ای جز دعوت به مباحله نداشت؛ لذا خطاب به مردم می گفت: «لَيْسَ بِالَّذِي تَدَّهَبُونَ إِلَيْهِ إِنَّمَا هُوَ نِسَاءُ النَّبِيِّ»؛ آن گونه که شما فکر می کنید، نیست. آیه درباره همسران پیامبر است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۵: ۱۹۸).

ثالثاً: آنچه وی از ابن عباس نقل کرده، با روایات دیگری که از ابن عباس درباره اختصاص آیه به اصحاب کساء نقل شده، منافات داشته است و دروغی بیش نیست (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۳: ۱۳۳)؛ چنان که دروغ بستن وی بر ابن عباس نیز در تاریخ ثبت گردیده است. عبدالله بن ابی الحارث گوید: «بعد از فوت عبدالله بن عباس، بر علی - پسر ابن عباس - وارد شدم. دیدم که عکرمه را به عنوان تنبیه در اتاقی زندانی کرده است؛ گفتم: با غلام خود این طور رفتار می کنی؟ گفت: چون به پدرم دروغ می بندد» (عقیلی، ۱۴۰۴ق، ۳: ۳۷۳).

جمعی دیگر، روایتی از سعید بن جبیر از ابن عباس مشابه روایت عکرمه نقل کرده اند (واحدی، ۱۴۱۱ق: ۳۶۹، ح ۶۹۸).

در پاسخ باید گفت: راویان این روایت نیز افرادی هستند که مورد تضعیف جدی قرار گرفته اند. اینان عبارتند از:

الف. ابویحیی حمانی یا همان عبدالحمید بن عبدالرحمن حمانی (م. ۲۰۲ق) که ابن حجر از زبان ابوداود، نسائی، ابن سعد، احمد، عجلی و ابن معین او را غیر موثق، ضعیف الحدیث، ضعیف العقل و متمایل به مرجئه دانسته است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ۶: ۱۰۹).

ب. صالح بن موسی قرشی طلحی از دیگر راویان مردود روایت مزبور است. نسائی او را متروک خوانده است (نسائی، ۱۳۹۶ق: ۱۹۴). ابن معین او را بی‌مقدار دانسته است. عبدالرحمن بن ابی حاتم هم گوید: «از پدرم درباره صالح بن موسی طلحی پرسیدم. گفت: ضعیف الحدیث و جداً منکر الحدیث است و روایات نادرست فراوانی از ثقات نقل می‌کند» (رازی تمیمی، ۱۲۷۱ق، ۴: ۴۱۵، ش ۱۸۲۵). ابن عدی هم روایات او را بی‌اعتبار دانسته و گفته است: «عموم چیزهایی که روایت می‌کند، مورد توجه کسی نیست.» مزّی پس از نقل گفتار ابن عدی، سخنش را تأیید می‌کند (مزّی، ۱۴۰۰ق، ۱۳: ۹۷). ابن حجر هم از او به عنوان «راوی متروک» نام می‌برد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶ق (الف)، ۱: ۴۳۳).

ج. خصیف بن عبدالرحمن الجزری (م. ۱۳۶ یا ۱۳۷ق) که بین رجال‌شناسان عامه درباره وی اختلاف نظر وجود دارد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ۳: ۱۲۳)؛ هرچند بعضی او را توثیق کرده‌اند، احمد بن حنبل او را ضعیف خوانده و گفته: «او قوی نیست»، و یحیی بن سعید قطان هم درباره اش جمله: «كُنَّا نَجْتَنِبُ خَصِيفًا» را گفته که حاکی از عدم اعتماد به روایات اوست (ذهبی شافعی، ۱۹۹۵، ۱: ۶۵۳، ش ۲۵۱۱). اندیشمندان دیگری نیز او را ضعیف دانستند (نک: ابن حبان، ۱۳۹۶ق، ۱: ۲۸۷؛ نسائی، ۱۳۹۶ق، ۱: ۳۷؛ رازی تمیمی، ۱۲۷۱ق، ۳: ۴۰۳؛ هیثمی، ۱۴۱۳ق، ۲: ۷۲۵).

نکته پایانی و مشترک درباره روایات ابن عباس، عکرمة و عروه این‌که حتی با فرض صحت این روایات، دیدگاه‌های مزبور صرفاً اجتهاد شخصی بوده و مستند به روایت خاصی از پیامبر ﷺ نیست؛ لذا برای دیگران حجت نبوده و در مقام تعارض با انبوه روایات نبوی، مردود است. علاوه بر این، عکرمة و عروه از تابعان هستند که دیدگاهشان درباره شأن نزول آیات، در تقابل با روایات همسران پیامبر ﷺ و آرای صحابه بزرگواری چون ابی سعید خدری و سلمان بوده و فاقد اعتبار است.

نتیجه‌گیری

- اندیشمندان شیعه با توجه به محتوای آیه تطهیر، تجزیه و تحلیل اجزای آن و استفاده از ده‌ها روایت معتبر فریقین در شأن نزول، مصادیق آیه را منحصر در اصحاب بیت می‌دانند. بسیاری از دانشمندان اهل سنت مانند: طحاوی، حاکم نیشابوری، آجری بغدادی، رفاعی، حافظ گنجی، مناوی، عباس محمود عقاد و توفیق ابوعلم نیز انحصار مزبور در شأن نزول را با

صراحت یا اشاره پذیرفتند. از سویی دیگر، بخش عمده‌ای از اهل سنت معتقدند که همسران پیامبر ﷺ نیز مشمول آیه شریفه‌اند.

- در روایتی که احمد بن حنبل از ام سلمه نقل کرده، برخی از اهل سنت با استناد به قسمت پایانی روایت، بر صدق عنوان «اهل بیت» بر همسران نبی ﷺ استناد می‌کنند. این روایت به دلایلی مورد خدشه قرار می‌گیرد که برخی از آن‌ها عبارتند از: در سند این روایت «أبوالمعدل عطیه طفاوی» است که مورد جرح برخی از علمای رجال قرار گرفته است. روشن است که وقتی پیامبر اکرم ﷺ درباره خود و اهل بیتش دعا کرده و عبارت «أنا و اهل بیته» را به کار می‌برد، ام سلمه خود را مشمول این دعا نمی‌بیند. پیامبر ﷺ بعد از درخواست ام سلمه فرمود: «و تو»، یعنی با آوردن واو عطف، وی را مشمول دعای خود کرد و می‌دانیم که واو عطف بر مغایرت معطوف و معطوف علیه دلالت دارد.

- روایت دوم نیز مخدوش است، زیرا در سند روایت مزبور «عبدالحمید بن بهرام» وجود دارد که با وجود توثیق وی از طرف برخی از دانشمندان رجال، بعضی دیگر او را مورد اعتماد ندانسته‌اند. علاوه بر تعارض روایت با ده‌ها روایت معتبر مبنی بر ممانعت از ورود همسران تحت کساء و با فرض صحت آن، باید توجه داشت که ورود ام سلمه به جمع اهل بیت، بعد از اجتماع و پیچاندن آن‌ها تحت کساء خیبری و دعای پیامبر ﷺ برای آنان رخ داد و این خود بر این دلالت دارد که ام سلمه جزء اهل بیته که مخاطب آیه تطهیر است، نبوده و در این روایت اشاره‌ای به نزول آیه تطهیر نشده است.

- روایت سوم نیز مخدوش است، زیرا از حیث سند ضعیف است. با فرض صحت، این روایت با ده‌ها روایت متواتری که گویای تفهیم عملی عدم شمول آیه بر همسران از سوی پیامبر خداست، تعارض دارد. نکته قابل توجه دیگری که در این جا وجود دارد، احتمال جعل و تحریف در روایت است.

- روایت چهارم که برخی به اذکار صلوات استناد می‌کنند نیز نادرست است، زیرا در بسیاری از روایات، صلوات ابراهیمی صرفاً بر اهل بیت و بدون بردن نامی از همسران وارد شده و با فرض صحت روایات، ازواج در آن‌ها، عطف بر واژه «اهل بیت» گشته که می‌تواند نشان از دوگانگی و اختلاف معنایی بین این دو واژه باشد، چراکه اگر واژه «اهل البیت» شامل ازواج بود، نیازی به عطف بر آن نبود.

- روایت پنجم معروف از زید بن أرقم نیز نادرست است، چراکه در روایتی که مسلم با چند سطر فاصله و در همان صفحه نقل می‌کند، زید در همان محفل و در جواب سائل که پرسید: «اهل بیتش کیستند؟ همسرانش؟» با قاطعیت پاسخ منفی داد.

- مستند دیگر که روایت ابن‌اعرابی است نیز نادرست است، زیرا مضمون این روایت با کیفیت مزبور، ضعیف بوده و روایت فوق، تحریف‌شده روایتی دیگر است.

- از جمله مستندات دیدگاه مزبور، روایاتی است که از عکرمة، ابن‌عباس و عروه بن زبیر نقل شده که مخدوش است، زیرا عکرمة که چنین ادعایی را مطرح ساخت، غلام ابن‌عباس و از سرکردگان خوارج و شخصی مردود، دروغ‌گو و کذاب بود که بسیاری از اهل سنت، عدم وثاقت و دروغ‌گویی اش را تأیید کرده و او را غیر قابل اعتماد دانسته‌اند. از سویی دیگر، نفس اصرار عکرمة بر مباحله، نشان‌دهنده مخالفت جمعی صحابه و تابعین با دیدگاه او بوده و وی که دیدگاه خود را در انزوا می‌دید، چاره‌ای جز دعوت به مباحله نداشت. آنچه وی از ابن‌عباس نقل کرده، با روایات دیگری که از ابن‌عباس درباره اختصاص آیه به اصحاب کساء نقل شده، منافات داشته و دروغی بیش نیست.

منابع

- قرآن کریم (ترجمه: مهدی قمشه‌ای، ۱۳۹۵)، قم، انصارالمهدی.
۱. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ویرایش: علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
 ۲. ابن‌اعرابی، ابوسعید أحمد بن محمد، (۱۴۱۸ق)، معجم ابن‌الأعرابی، ویرایش: عبدالمحسن بن ابراهیم بن أحمد الحسینی، عربستان، دار ابن الجوزی.
 ۳. ابن تیمیه، أحمد بن عبدالحلیم حرانی، (۱۴۲۶ق)، مجموع الفتاوی، ویرایش: أنور الباز عامر الجزار، بی‌جا، دار الوفاء.
 ۴. ابن جوزی، أبوالفرج عبدالرحمن بن علی، (۱۴۰۶ق)، الضعفاء و المتروکین، ویرایش: عبدالله القاضی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
 ۵. ابن حبان، أبوحاتم محمد، (۱۳۹۶ق)، المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین، حلب، دار الوعی.
 ۶. ابن حجر عسقلانی، أبوالفضل أحمد بن علی، (۱۴۰۴ق)، تهذیب التهذیب، بیروت، دار الفکر.

۷. _____ (الف)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ویرایش: محب الدین الخطیب، بیروت، دار المعرفة.
۸. _____ (الف)، (۱۴۰۶ق)، تقریب التهذیب، ویرایش: محمد عوامة، سوریه، دار الرشید.
۹. _____ (ب)، (۱۴۰۶ق)، لسان المیزان، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۰. ابن حجر هیثمی، ابی العباس أحمد، (۱۹۹۷)، الصواعق المحرقة، ویرایش: عبدالرحمن بن عبدالله التركي و کامل محمد الخراط، بیروت، مؤسسة الرساله.
۱۱. ابن حنبل، امام احمد، (۱۴۱۹ق)، مسند احمد بن حنبل، ویرایش: سید أبوالمعاطی نوری، بیروت، عالم الكتب.
۱۲. ابن صلاح، تقی الدین أبو عمرو، (۱۹۹۲)، طبقات الفقهاء الشافعية، ویرایش: محیی الدین علی نجیب، بیروت، دار البشائر الإسلامية.
۱۳. ابن عدیم، عمر بن أحمد عقيلي (بی تا)، بغية الطلب فی تاریخ حلب، ویرایش: سهیل زکار، بی جا، دار الفكر.
۱۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، ویرایش: محمد حسین شمس الدین، بیروت، دار الكتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۱۵. ابن معین، یحیی، (۱۴۰۰ق)، من کلام أبی زکریا یحیی بن معین فی الرجال، ویرایش: دکتر أحمد محمد نور سیف، دمشق، دار المأمون للتراث.
۱۶. ابن مغازلی، علی بن محمد، (۱۴۲۴ق)، مناقب أميرالمؤمنین علی بن أبی طالب رضی الله عنه، ویرایش: أبو عبدالرحمن ترکی بن عبدالله الوادعي، صنعا، دار الآثار.
۱۷. باقرزاده، عبدالرحمان، (۱۳۹۱)، پژوهشی جدید درباره آیه تطهیر، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۸. بخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله، (۱۴۰۷ق)، الجامع الصحیح المختصر (صحیح بخاری)، ویرایش: دکتر مصطفی ديب البغا، بیروت، دار ابن کثیر، چاپ سوم.
۱۹. بیهقی، ابوبکر أحمد بن الحسین، (۱۴۱۴ق)، سنن کبری، ویرایش: محمد عبدالقادر عطا، مکه مکرمه، مكتبة دار الباز.
۲۰. حاکم نیشابوری، محمد بن ابوعبدالله، (۱۴۱۱ق)، المستدرک علی الصحیحین و بديله التلخیص للحافظ الذهبي، ویرایش: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الكتب العلمیه.
۲۱. خمیس، عثمان بن محمد، (۱۴۲۷ق)، حقبة من التاريخ، رياض، المكتب التعاونی للدعوة و توعية الجاليات بالربوة.
۲۲. ذهبی شافعی، شمس الدین ابوعبدالله محمد (الف)، (بی تا)، المغنی فی الضعفاء، ویرایش: دکتر نورالدین عتر، بی جا، بی نا.

٢٣. _____ (ب)، (بی تا)، تذکرة الحفاظ، بیروت، دار الکتب العلمیة.
٢٤. _____، (١٤١٣ق)، الکاشف فی معرفة من له رواية فی الکتب الستة، ویرایش: محمد عوامة، جده، دار القبلة للثقافة الإسلامیة.
٢٥. ذهبی شافعی، شمس الدین ابوعبدالله محمد، (١٩٩٥)، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ویرایش: شیخ علی محمد معوض و الشیخ عادل أحمد، بیروت، دار الکتب العلمیة.
٢٦. رازی تمیمی، عبدالرحمن بن أبی حاتم، (١٢٧١ق)، الجرح و التعديل، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
٢٧. رازی، محمد بن عمر بن الحسین، (١٤٠٠ق)، المحصول فی علم الأصول، ویرایش: طه جابر فیاض العلوانی، ریاض، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامیة.
٢٨. سیوطی، حافظ جلال الدین، (١٤٠٤ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله.
٢٩. طبرانی، سلیمان بن أحمد، (١٤٠٤ق)، المعجم الكبير، ویرایش: حمدی بن عبدالمجید السلفی، موصل، مكتبة الزهراء، چاپ دوم.
٣٠. طبری، محمد بن جریر، (١٤١٢ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه.
٣١. طحاوی، أبوجعفر أحمد بن محمد، (١٤٠٨ق)، شرح مشکل الآثار، ویرایش: شعيب الأرناؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة.
٣٢. عقيلي، أبوجعفر محمد بن عمر، (١٤٠٤ق)، الضعفاء الكبير، ویرایش: عبدالمعطي أمين قلجعي، بیروت، دار المكتبة العلمیة.
٣٣. متقی هندی، علاء الدین علی، (١٤١٩ق)، كنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ویرایش: محمود عمر الدمیاطی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
٣٤. مزی، عبدالرحمن أبوالحجاج، (١٤٠٠ق)، تهذیب الکتب، ویرایش: شار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرسالة.
٣٥. مقریزی، تقی الدین احمد بن علیف، (بی تا)، فضل آل البيت عليهم السلام، ویرایش: سید علی عاشور، بی جا، بی تا.
٣٦. نسائی، أحمد بن شعيب، (١٣٩٦ق)، الضعفاء و المتروكين، ویرایش: محمود إبراهيم زايد، حلب، دار الوعی.
٣٧. نووی دمشقی، محیی الدین ابی زکریا، (١٣٩٢ق)، شرح صحیح مسلم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
٣٨. نیشابوری، ابوالحسین مسلم بن حجاج، (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

۳۹. هیشمی، حافظ نورالدین علی، (۱۴۱۳ق)، *بغیة الباحث عن زوائد مسند الحارث بن أبي أسامة*، ویرایش: دکتر حسین أحمد صالح الباکری، مدینه منوره، مرکز خدمة السنة و السيرة النبوية.
۴۰. واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۱ق)، *اسباب نزول القرآن*، ویرایش: زغلول، کمال بسیونی، بیروت، دار الکتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون.